

تدوین مهم‌ترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس (مطالعه موردی: حوضه آبخیز قلعه‌گل استان لرستان)

مهدی زنده‌بصیری^{۱*} و هدایت غضنفری^۲

^۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جنگلداری دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان

^۲استادیار گروه جنگلداری دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان

(تاریخ دریافت: ۸۸ / ۷ / ۵، تاریخ تصویب: ۸۹ / ۱ / ۱۷)

چکیده

در این پژوهش، مهم‌ترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس با استفاده از روش تجزیه و تحلیل سوات تدوین شد. به این منظور ابتدا نظرهای دست‌اندرکاران جمع‌آوری شد و سپس با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی کمی شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس است. مدیریت مشارکتی، منابع مالی ضعیف برای اداره جنگل و کاهش هزینه‌های اداره جنگل به ترتیب پس از تصمیم‌سازی‌های نامناسب، مهم‌ترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس، گزارش می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت جنگل، مردم محلی، تحلیل سوات، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، جنگل‌های زاگرس.

مقدمه و هدف

ناحیه رویشی زاگرس که جنگل‌های نیمه‌خشک کشور را در خود جای داده است در امتداد رشته‌کوه زاگرس از شمال شهرستان ارومیه در استان آذربایجان غربی شروع و تا حوالی شهرستان فیروزآباد در استان فارس واقع شده است. اهمیت جنگل‌های زاگرس در بعدها ملی و منطقه‌ای قابل بررسی است. حفاظت از آب و خاک در بعد ملی، مهیا کردن شرایط زیستی برای جوامع انسانی در بعد منطقه‌ای و تولید محصول‌های فرعی از مهم‌ترین عملکردها و ویژگی‌های جنگل‌های زاگرس به‌شمار می‌آیند (ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۲). زندگی مردم ساکن این جنگل‌ها نسبت به سایر نقاط کشور، پیچیده‌تر و سخت‌تر است. نبود عرصه‌های کار و تولید، بالا بودن افزایش جمعیت در یکان سطح و نبود توسعه اقتصادی متناسب با افزایش جمعیت، باعث وابستگی شدید مردم ساکن در این جنگل‌ها به منابع طبیعی این ناحیه شده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). جنگلداری و مدیریت جنگل‌های زاگرس، وابسته به توجه به مسایل اجتماعی و تعامل مردم و طبیعت است. بهره‌برداری‌های سنتی مردم محلی جنگل‌های زاگرس، ارتباطی قوی بین انسان‌ها و طبیعت در کوهستان‌های زاگرس به‌وجود آورده است. مردم محلی برای تهیه علوفه، چوب سوخت و تأمین معیشت خود، یک مدیریت سنتی از زمین جنگل و فرآورده‌های جنگلی را دنبال می‌کنند (Ghazanfari et al., 2004).

با گذشت بیش از ۴۰ سال از آغاز تهیه طرح‌های جنگلداری در جنگل‌های زاگرس، تصمیم‌سازی‌های متفاوتی برای این جنگل‌ها به اجرا درآمده است. در اکثر موارد، تصمیم‌سازی‌هایی که دست‌آورد مباحث تخصصی تصمیم باشد وجود نداشته است. به نظر می‌رسد در شناخت دقیق نقش مدیریتی مردم محلی این جنگل‌ها، تا کنون اقدام‌های نهادینه بایسته صورت نپذیرفته است. طرح‌های تهیه‌شده پیشین به‌رغم تلاش‌های فراوان، نتوانسته‌اند به هدف‌های سازمانی طرح‌های جنگلداری دست یابند. در طرح‌های جنگلداری پیشین جنگل‌های زاگرس، راه‌کارهای مدیریتی گوناگون به‌صورت آزمون و خطا ارائه شدند (ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۴). به‌نظر می‌رسد از یک سو، نقش مدیریتی مردم محلی در این جنگل‌ها به

روشنی بررسی نشده (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹؛ غضنفری، ۱۳۸۲)، از سوی دیگر، پیش از اجرایی شدن تصمیم‌ها، پیامدهای اجرای تصمیم، به‌صورت جامع بررسی نشده است (ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۴). ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی هر فرآیند تصمیم‌سازی و عوامل تأثیرگذار بر آن، باعث می‌شود تا جنبه‌های گوناگون تصمیم‌سازی، پیش از اجرایی شدن تصمیم‌ها بررسی شوند. به این ترتیب مدیریت اجرایی سعی می‌نماید با بهره‌برداری و حداکثر نمودن پیامدهای مثبت، همزمان دوری و به حداقل رساندن پیامدهای منفی، فرآیند تصمیم‌سازی را به شرایط

اطمینان، نزدیک نماید (فقهی فرهنگ، ۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل سوات^۱ یا تحلیل قوت^۲، ضعف^۳، فرصت^۴ و تهدید^۵، یک ابزار کاربردی در بررسی همزمان پیامدهای مثبت و منفی فرآیندهای تصمیم‌سازی و عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌ها است. در صورت کمی نمودن پیامدهای مثبت و منفی ارائه‌شده در این تحلیل، می‌توان نسبت به ارزیابی جامع فرآیندهای تصمیم‌سازی و تحلیل موقعیت‌های گوناگون، اقدام نمود (Shrestha et al., 2004).

تا پیش از سال ۲۰۰۰، روش‌های منطقی به‌منظور کمی نمودن این تحلیل، ارائه نشده بود. در این سال، برای اولین بار تحلیل سوات در ترکیب با فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی^۶ به‌صورت کمی بررسی شد. این ترکیب به‌صورت جامع، قابلیت ارزیابی همزمان پیامدهای مثبت و منفی فرآیند تصمیم‌سازی و عوامل تأثیرگذار بر آن را داراست (Kurttila et al., 2000).

(Kurttila et al., 2000) از این ترکیب به‌منظور ارزیابی سیستم گواهی جنگل^۷ در کشور فنلاند استفاده کردند. گواهی مدیریت پایدار جنگل ابتدا در سطح یکان محلی مدیریت جنگل^۸ ارائه شد. در این پژوهش به ارزیابی این سیستم در سطح ملی در جنگلداری فنلاند پرداخته شده است. با توجه به اینکه این پژوهش اولین ارائه فنی ترکیب

1- S.W.O.T. Analysis

2- Strengths

3- Weaknesses

4- Opportunities

5- Threats

6- Analytical Hierarchy Process

7- Forest Certificate

8- Local Forest Management Unit

فعالیت اشتغال دارند. جنگل‌های این حوضه آبخیز به دلیل اقلیم مناسب و چشم‌اندازهای زیبا، توان طبیعت‌گردی زیادی دارد (بی‌نام، ۱۳۸۵).

- روش پژوهش

برای بررسی پیامدهای مثبت و منفی مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس و عوامل تأثیرگذار بر آن، از کمی کردن تجزیه و تحلیل سوات به وسیله فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد. در مرحله اول، به منظور تعیین فاکتورهای ورودی تجزیه و تحلیل سوات از تحلیل دست‌اندرکاران^۲، استفاده شد. در مرحله دوم، نظرات ۵ نفر از کارشناسان خبره در یکان‌های دست‌اندرکار در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی به صورت کمی درآمد.

- تحلیل سوات

روش‌های برنامه‌ریزی راهبردی (برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف‌های بلندمدت) متعددی برای تحلیل همزمان محیط خارجی و داخلی یک سازمان یا یک برنامه وجود دارد. این روش‌ها عبارتند از: تجزیه و تحلیل سوات، تحلیل مشاوره^۳، تحلیل راهبرد اصلی، ماتریس ارزیابی داخلی و خارجی و ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی. در میان این روش‌ها، تجزیه و تحلیل سوات کاربردی‌تر از بقیه است، زیرا هم فهم ساده‌تری دارد و هم با ساختن ترکیبی ساده، اطلاعات زیاد و در عین حال مفیدی را در اختیار مدیران راهبردی قرار می‌دهد (Kurttila et al., 2000). تجزیه و تحلیل سوات، فاکتورهای مثبت و منفی در محیط‌های داخلی و خارجی سازمان که روی برنامه یا سازمان تأثیر دارند را بررسی می‌کند. در تجزیه و تحلیل درونی، قوت‌ها و ضعف‌ها و در تجزیه و تحلیل بیرونی، فرصت‌ها و تهدیدها بررسی می‌شوند. قوت‌ها و ضعف‌ها شامل بررسی توانایی‌های عملکردی سازمان بر اساس منابع موجود هستند. فرصت‌ها و تهدیدها شامل همه نیروها و شرایطی در خارج از سازمان هستند که بر انتخاب‌های سازمان یا برنامه‌های آن تأثیر دارند. در تجزیه و تحلیل خارجی، متغیرهای بوم‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، فن‌آوری، سیاسی و قانونی که در خارج از فضای

تحلیل سوات و فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی بوده، تنها از یک کارشناس خبره برای وزن‌دهی پارامترها استفاده شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد ارائه گواهی جنگل در سطح ملی نیز، نقطه‌های قوت و فرصت بیشتری نسبت به پیامدهای منفی این سیستم دارد (Kurttila et al., 2000).

Shrestha et al. (2004)، به ارزیابی سیستم‌های زراعی با ترکیب ساختاری جنگل-دام^۱ در ایالت فلوریدا پرداختند. در این پژوهش نتایج وزن‌دهی دست‌اندرکاران گوناگون به پارامترهای تحلیل سوات به صورت مجزا بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که نقطه‌های قوت و فرصت سیستم بیشه زراعی بیشتر از ضعف‌ها و تهدیدهای فراروی آن است. به نظر می‌رسد تحقیق‌های دیگر انجام‌شده در زمینه کمی کردن تحلیل سوات در چند سال گذشته، با محوریت جایگزین شدن فن‌های شبکه‌ای و تصادفی به جای فن سلسله‌مراتبی بوده است (Yuksel & Dagdeviren, 2007; Kangas et al., 2003).

هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی و شناخت پتانسیل‌ها و موانع درونی و بیرونی برای سازمان‌های مکانی زیر نظر مردم محلی جنگل‌های زاگرس است. این ارزیابی شرایط اصلاح این روش مدیریت و رسیدن به یک جنگلداری پایدار، به نام جنگلداری محلی را فراهم می‌کند. جنگلداری محلی، مشارکت دادن مردم و جوامع محلی در مدیریت پایدار جنگل‌ها، یعنی واگذاری بخشی از مسئولیت‌های حفاظت، احیا و توسعه جنگل به مردم روستاها است. این مشارکت یک مشارکت مردمی واقعی است (امانی، ۱۳۸۳).

مواد و روش‌ها

- منطقه مورد بررسی

منطقه مورد بررسی، حوضه آبخیز قلعه‌گل در ۳۵ کیلومتری شهرستان خرم‌آباد است. استان لرستان در بخش میانی سلسله جبال زاگرس قرار دارد. جنگل‌های این استان با مشکل تخریب و کاهش قدرت بازدهی روبرو هستند (بی‌نام، ۱۳۷۸). بافت اجتماعی منطقه، روستایی-عشایری است. دامداری در منطقه اهمیت خاصی دارد، به طوری که بیش از ۵۴ درصد از خانوارهای ساکن منطقه به این

2- Stakeholder Analysis

3- Boston

1- Silvopastoral

فرآیندهای تصمیم‌گیری است. افراد ممتاز در سازمان‌ها، مدیران تصمیم‌ساز و در جوامع محلی، بزرگان و یا به اصطلاح ریش‌سفیدان محلی هستند (Abdusalam & Noguchi, 2006). به نظر می‌رسد رویکرد شهرت، سازگاری بیشتری با فرآیندهای تصمیم‌گیری در محیط اجتماعی جنگل‌های زاگرس دارد (زندبصری، ۱۳۸۷). در این پژوهش، نظرهای مردم محلی در سطح منطقه مورد بررسی و نظرهای مدیریت یکان‌های دست‌اندرکاران بر اساس رویکرد شهرت در سطح ملی و استانی، با استفاده از ترکیبی از پرسشنامه و مصاحبه‌های هدایت‌شده جمع‌آوری شد.

- کمی کردن تحلیل سوات بر پایه نظرهای دست‌اندرکاران محدودیت تجزیه و تحلیل سوات این است که اهمیت هر فاکتور به صورت کمی، قابل اندازه‌گیری نیست (Kurttila et al., 2000). کمی کردن این تحلیل مشخص می‌کند کدامیک از عوامل تأثیر بیشتری در فرایندهای تصمیم‌سازی دارند. به این ترتیب راهبردها تمرکز بیشتری بر مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار خواهند داشت (زندبصری، ۱۳۸۶).

با استفاده از تحلیل دست‌اندرکاران و مد نظر قرار دادن درصد فراوانی نظرهای ارائه‌شده می‌توان از مزیت سیستم‌های طراحی مشارکتی بهره‌مند شد و به‌طور همزمان، یک چهارچوب اولیه برای کمی نمودن تحلیل سوات ارائه کرد. منطق این روش، استفاده از نظرهایی است که بیش از یک بار توسط دست‌اندرکاران ارائه شده‌اند (Suh & Emtage, 2005). در این روش از تقسیم تعداد دفعات تکرار هر فاکتور بر مجموع فاکتورهای هر گروه، وزن هر فاکتور درون گروه خود به دست می‌آید. وزن هر فاکتور درون گروه خود، به‌عنوان وزن نسبی فاکتور در محاسبه‌های بعدی به کار می‌رود.

- کمی کردن تحلیل سوات با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

کمی کردن تحلیل سوات بر پایه نظرهای دست‌اندرکاران دارای این نقطه قوت است که مشارکت در تدوین چهارچوب سوات برای دست‌اندرکاران پیچیدگی خاصی ندارد و نیازی به وزن‌دهی فاکتورها از سوی دست‌اندرکاران نیست (Suh & Emtage, 2005). در مقابل، امکان مقایسه

سازمان بر سازمان یا برنامه‌های آن اثر دارند، مشخص می‌شوند (فقهی فرهمند، ۱۳۸۲).

- تحلیل دست‌اندرکاران

دست‌اندرکاران یک برنامه، کسانی هستند که بر اجرای برنامه تأثیر دارند یا از آن تأثیر می‌پذیرند (Abdusalam & Noguch, 2006). در تجزیه و تحلیل سوات به آینده‌نگری‌های چندگانه^۱ نیازمندیم تا بررسی عوامل بر پایه تخصص و نقش‌های گوناگون دست‌اندرکاران صورت پذیرد. به این ترتیب در انجام تجزیه و تحلیل سوات، اگر نقطه‌نظرهای طیفی از گروه‌های دارای نفع در برنامه مد نظر قرار گیرند، کیفیت تجزیه و تحلیل سوات بهبود می‌یابد (Srivastata et al., 2005).

در این پژوهش، دست‌اندرکاران منطقه مورد بررسی (حوضه آبخیز قلعه‌گل استان لرستان) عبارتند از: مردم محلی شامل دامداران ساکن، کشاورزان و دامداران عشایر، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، اداره کل منابع طبیعی استان لرستان، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و کشاورزی استان لرستان، دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست، اداره کل محیط زیست استان لرستان، اداره کل امور عشایر استان لرستان، امور دام جهاد کشاورزی استان لرستان، معاونت دفتر طرح آبخیزداری سد کرخه، معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان و متخصصین دانشگاهی.

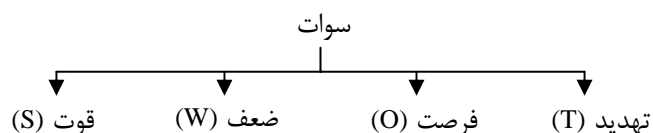
تحلیل دست‌اندرکاران دارای سه رویکرد اساسی است: رویکرد شهرت^۲، رویکرد گروه مرکزی^۳ و رویکرد جمعیتی^۴. در رویکرد شهرت از افراد دارای نقش ویژه و آگاه، درخواست می‌شود تا در تحلیل دست‌اندرکاران شرکت کنند. در رویکرد گروه مرکزی، یک گروه اصلی تعیین می‌شود، سپس گروه‌های دیگر پیوسته با گروه اصلی مشخص می‌شوند. در رویکرد جمعیتی، دست‌اندرکاران بر اساس ویژگی‌های جمعیتی مانند جنس، سن و مذهب، تعیین می‌شوند. رویکرد شهرت، استفاده از افراد ممتاز در

1- Multiple Perspective

2- Reputation Approach

3- Focal Group Approach

4- Demographic Approach



شکل ۱- ساختار سلسله‌مراتبی برای تحلیل سوات

- مقایسه زوجی

در مقایسه‌های زوجی، سعی بر آن است به‌جای استفاده از کمیت تصمیم‌سازان، خبره‌ترین کارشناسان از مهم‌ترین یکان‌های دست‌اندرکار مد نظر قرار گیرد (Kajanus et al., 2004). در این پژوهش، از نظرهای ۵ نفر از خبره‌ترین کارشناسان یکان‌های دست‌اندرکار؛ مرکز تحقیقات منابع طبیعی استان لرستان، اداره کل منابع طبیعی استان لرستان، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، شورای عالی جنگل، مرتع و خاک و دفتر فنی جنگل‌های خارج از شمال استفاده شد.

با توجه به حساسیت‌های موجود در بررسی مسایل اجتماعی جنگل‌های زاگرس و پرهیز از ورود نظرهای تیم تحلیل‌گر حل مسئله، از وزن‌دهی به نظرهای کارشناسان خودداری شد. به این ترتیب مقایسه‌های زوجی کارشناسان نامبرده با وزن یکسان در فرایند تصمیم‌سازی بررسی شد. مقایسه‌های زوجی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice، تحلیل و وزن فاکتورهای معیار یا ارجحیت هر گروه محاسبه شد.

نتایج

نتایج حاصل از تلفیق نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مدیریت سنتی جنگل، در جدول ۱ آورده شده است.

میان گروه‌های مختلف تحلیل سوات (گروه‌های چهارگانه قوت، ضعف، فرصت و تهدید) وجود ندارد و ارزیابی نهایی فاکتورهای گروه‌های مختلف، امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، به‌منظور ارزیابی نهایی و مقایسه فاکتورهای گروه‌های مختلف تحلیل سوات، این فاکتورها با استفاده از فن فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، به‌صورت زوجی مقایسه^۱ می‌شوند (Kurttila et al., 2000).

- فاکتورهای معیار^۲

به‌منظور استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در تحلیل سوات، لازم است تا از هر گروه قوت، ضعف، فرصت و تهدید یک نماینده انتخاب شود. فاکتوری که دارای بیشترین وزن نسبی در گروه خود باشد، به‌عنوان نماینده آن گروه است. این فاکتورها، فاکتورهای معیار نامیده می‌شود. فاکتورهای معیار به نمایندگی از گروه‌های چهارگانه تحلیل سوات به‌صورت زوجی مقایسه می‌شوند. در کمی کردن تجزیه و تحلیل سوات با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، اصل بر اینست که وزن محاسبه‌شده برای هر یک از فاکتورهای معیار، معادل ارجحیت همان گروه سوات است. به این ترتیب با انجام این مقایسه‌های زوجی، ارجحیت هر گروه محاسبه می‌شود. وزن نهایی هر یک از فاکتورها، از ضرب وزن نسبی هر فاکتور یعنی وزنی که فاکتور در گروه خودش داشته است در وزن فاکتورهای معیار (ارجحیت گروه) به‌دست می‌آید. این وزن نهایی قابلیت مقایسه کردن دارد زیرا وزن کل گروه را نیز در نظر می‌گیرد (Kurttila et al., 2000).

- فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی یکی از روش‌های تصمیم‌سازی چندمعیاری برای انتخاب گزینه برتر یا وزن‌دهی به ساختارهای سلسله‌مراتبی با استفاده از روش مقایسه زوجی است. سلسله‌مراتب پیشنهادی برای کمی کردن تحلیل سوات توسط بنیان‌گذاران این ترکیب (Kurttila et al., 2000) به شکل زیر است:

جدول ۱- وزن نسبی فاکتورهای تحلیل سوات

گروه سوات	فاکتورهای هر گروه	وزن نسبی هر فاکتور درون گروه
قوت	استفاده از نیروی انسانی مردم محلی	۰/۲۶۹
	استفاده بهینه از دانش بومی	۰/۱۸۵
	در نظر گرفتن مایحتاج اقتصادی مردم محلی	۰/۱۸۵
	حفظ انسان در بوم‌سازگان جنگل	۰/۷۴
	دیگر عوامل قوت	۰/۲۶
ضعف	آموزش ناکافی محیط زیستی مردم محلی	۰/۳۰۸
	کشاورزی و دامداری سنتی	۰/۱۹۲
	نظام‌مند نبودن برداشت‌ها	۰/۱۵۴
	از دست دادن تجدید حیات جنسی	۰/۷۷
	دیگر عوامل ضعف	۰/۲۶۹
فرصت	برپایی یک نظام مدیریت مشارکتی	۰/۴۲۹
	کاهش هزینه اداره جنگل برای مدیریت اجرایی	۰/۲۸۵
	بهبود وضعیت توریسم منطقه	۰/۱۴۳
	دیگر عوامل فرصت	۰/۱۴۳
تهدید	تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی	۰/۳۹۱
	منابع مالی ضعیف برای اداره جنگل	۰/۱۷۴
	هماهنگ نبودن بخش تحقیقات و اجرا	۰/۱۳۰
دیگر عوامل تهدید		۰/۳۰۵

گروه فرصت، تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی فاکتور معیار در گروه تهدید. نتایج حاصل از مقایسه‌های زوجی فاکتورهای معیار در جدول ۲ آمده است.

به این ترتیب فاکتورهای معیار به شرح زیر تعیین شدند: استفاده از نیروی انسانی مردم محلی فاکتور معیار در گروه قوت، آموزش ناکافی زیست‌محیطی مردم محلی فاکتور معیار در گروه ضعف، مشارکت مردم محلی فاکتور معیار در

جدول ۲- نتایج حاصل از مقایسه‌های زوجی فاکتورهای معیار برای تعیین ارجحیت هر گروه

فاکتور معیار	استفاده از نیروی انسانی	آموزش ناکافی	مدیریت مشارکتی	تصمیم‌سازی‌های نامناسب
وزن فاکتور معیار	۰/۱۳۱	۰/۱۸۸	۰/۲۴۴	۰/۴۳۷

ضرب وزن نسبی در وزن فاکتور معیار به دست می‌آید. نتایج وزن نهایی فاکتورها در جدول ۳ آورده شده است.

وزن فاکتورهای معیار همان ارجحیت یا وزن گروه مربوطه است. به این ترتیب وزن نهایی فاکتورهای درون هر گروه با

جدول ۳- نتایج وزن نهایی فاکتورها و ارائه مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سنتی جنگل‌های زاگرس

رتبه نهایی	وزن نهایی	وزن نسبی	فاکتورهای هر گروه	ارجحیت گروه	گروه سوات
۶	۰/۰۳۹	۰/۲۶۹	استفاده از نیروی انسانی مردم محلی		
۱۰	۰/۰۲۴	۰/۱۸۵	استفاده بهینه از دانش بومی		
۱۰	۰/۰۲۴	۰/۱۸۵	در نظر گرفتن مایحتاج اقتصادی مردم محلی	۰/۱۳۱	قوت
۱۲	۰/۰۱۰	۰/۷۴	حفظ انسان در بوم‌سازگان جنگل		
-----	۰/۰۳۴	۰/۲۶	دیگر عوامل قوت		
۵	۰/۰۵۸	۰/۳۰۸	آموزش ناکافی محیط زیستی مردم محلی		
۷	۰/۰۳۶	۰/۱۹۲	کشاورزی و دامداری سنتی		
۹	۰/۰۲۹	۰/۱۵۴	نظام‌مند نبودن برداشت‌ها	۰/۱۸۸	ضعف
۱۱	۰/۰۱۵	۰/۷۷	از دست دادن تجدید حیات جنسی		
-----	۰/۰۵۰	۰/۲۶۹	دیگر عوامل ضعف		
۲	۰/۱۰۵	۰/۴۲۹	برپایی یک نظام مدیریت مشارکتی		
۴	۰/۰۷۰	۰/۲۸۵	کاهش هزینه اداره جنگل برای مدیریت اجرایی	۰/۲۴۴	فرصت
۸	۰/۰۳۵	۰/۱۴۳	بهبود وضعیت توریسم منطقه		
-----	۰/۰۳۵	۰/۱۴۳	دیگر عوامل فرصت		
۱	۰/۱۷۰	۰/۳۹۱	تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی		
۳	۰/۰۷۶	۰/۱۷۴	منابع مالی ضعیف برای اداره جنگل	۰/۴۳۷	تهدید
۶	۰/۰۵۷	۰/۱۳۰	هماهنگ نبودن بخش تحقیقات و اجرا		
-----	۰/۱۳۳	۰/۳۰۵	دیگر عوامل تهدید		
-----	۱	۴×۱=۴	مجموع وزن‌های چهار گروه		

بحث

تحلیل یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج نهایی پژوهش (جدول ۳)، چهار فاکتور تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی با وزن نهایی ۰/۱۷۰، فرصت برپایی یک نظام مدیریت مشارکتی با وزن نهایی ۰/۱۰۵، منابع مالی ضعیف برای اداره جنگل با وزن نهایی ۰/۰۷۶ و کاهش هزینه‌های اداره جنگل برای مدیریت اجرایی با وزن نهایی ۰/۰۷۰، مهم‌ترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی حوضه آبخیز قلعه‌گل استان لرستان هستند. در این قسمت به تفسیر هر یک از این چهار فاکتور پرداخته می‌شود.

۱- تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی

تصمیم‌سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی، مهم‌ترین فاکتور تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی گزارش می‌شود. دارا بودن وزن نهایی ۰/۱۷۰، در بین ۱۸ پارامتر دارای وزن

در جدول نهایی، غیر قابل انتظار است. اهمیت این فاکتور از یک سو به پیشینه تهیه طرح‌های گذشته و از سوی دیگر به نارکارایی بدنه کارشناسی و کمبود پرسنل تخصصی کار در جنگل‌های زاگرس مربوط می‌شود.

جنگل‌های زاگرس تا به امروز از یک سیاست جنگلداری منسجم و فراگیر محروم بوده است. طرح‌های پیشین، طرح‌های ساده‌ای بودند که همزمان با اجرای طرح، جنگل آزادانه در معرض تخریب بوده است (جزیره‌ای و ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۲). به نظر می‌رسد نبود شناخت از الزام‌های مدیریت این جنگل‌ها، کاستی‌های بخش آموزش در زمینه جنگل‌های زاگرس و کمبود نیروهای تخصصی، مهم‌ترین دلیل‌های تصمیم‌سازی‌های نامناسب در این جنگل‌ها هستند. تعداد کارشناسان مدیریت اجرایی در اداره‌های کل منابع طبیعی استان‌ها و بدنه اصلی مدیریت اجرایی جنگل‌های زاگرس، با حجم زیاد کار در این جنگل‌ها

نبودن عرصه‌های کار و تولید نسبت به دیگر نقاط کشور، مردم را در عقب‌ماندگی خاصی نگه داشته است. مردم ناچارند برای رفع نیازهای خود با طبیعت سخت و خشن دست و پنجه نرم کنند تا معاش بخور و نمیر خود را با تلاشی بیش از حد فراهم کنند (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). حمایت مالی از مردم محلی، تدارک بهداشت و آموزش آنها و حمایت‌های تحقیقاتی، نیازمند سرمایه‌گذاری در این جنگل‌ها است. این در حالی است که نبود پشتیبانی مالی و اجرایی و نبودن توازن بین سطوح برنامه‌ریزی و تخصیص اعتبارهای سالیانه، هر از چند گاه ضرورت بازنگری در طراحی‌های انجام‌شده در جنگل‌های زاگرس را اجتناب‌ناپذیر نموده است (آقازمانی، ۱۳۸۱).

در شرایط فعلی حضور یکان‌های مختلف جنگل، مرتع، حفاظت خاک، محیط زیست، زراعت و امور دام در یکان حوضه آبخیز انکارناپذیر است. بدیهی است هیچ یک از این یکان‌ها به تنهایی نمی‌توانند راه حل اصولی ارائه دهند. به این منظور، تشکیلات هماهنگ برای تحلیل نظام‌مند حوضه آبخیز، جلوگیری از خودمحوری یکان‌های مختلفی که در حوضه آبخیز فعالیت دارند، حمایت‌های مالی برای توانمندسازی جوامع محلی، تحقیقات متناسب با اهمیت این جنگل‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب در راستای احیا جنگل‌های زاگرس، ضرورت دارد.

۴- کاهش هزینه‌های اداره جنگل برای مدیریت اجرایی سیاست اجرایی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، مشارکت مردمی است و لازم است اجرای طرح به عهده مردم محلی باشد (بی‌نام، ۱۳۸۱). تنها در صورتی که مشارکت جنبه صوری نداشته باشد و مردم در منافع حاصل از مدیریت جنگل نیز سهیم باشند، از تصمیم‌سازها حمایت می‌کنند. به این ترتیب، اجرای رویکرد مشارکت واقعی، سهیم شدن مردم در منافع، استفاده از پتانسیل‌های مردم برای عملیاتی کردن طرح‌ها و حمایت آنها از فرایندهای تصمیم‌سازی، موجب صرفه‌جویی در بودجه پرسنلی، پیمانکاران و مهندسیین مشاور برای مدیریت اجرایی جنگل‌های کشور می‌شود. به‌منظور استفاده از این فرصت، لازم است تهیه طرح‌های جنگلداری، با خواسته‌ها و انتظارات مردم محلی ساکن جنگل سازگار باشد. در

(به‌دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی) همخوانی ندارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). کمبود کارشناسان تخصصی کار در جنگل‌های زاگرس با شرح وظایف مدیریت اجرایی، ناسازگار است و فرایندهای کنترل در این جنگل‌ها را دشوار و در برخی موارد غیرممکن می‌سازد.

استفاده از شرکت‌های خصوصی برای تهیه طرح‌های جنگلداری نیز نتوانسته دستاورد مناسبی برای مدیریت اجرایی داشته باشد. هرچند که اغلب طرح‌ها از توجیه خوبی برخوردار بودند، اما در عمل کارایی مناسب برای مناطق مورد عمل و ساکنان آنان را نداشتند (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). این روش اداره جنگل با پتانسیل‌های موجود در این جنگل‌ها از جمله استفاده از نیروی انسانی مردم محلی که بزرگ‌ترین نقطه قوت مدیریت، در این پژوهش گزارش شده، سازگاری ندارد. روش اداره جنگل‌های زاگرس باید بر اساس شرایط خاص منطقه‌ای و محلی (جزیره‌ای و ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۲) و همچنین نحوه تفاوت معیشت جوامع محلی (بی‌نام، ۱۳۸۶) تدوین شود. به این منظور لازم است ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در تقسیم‌بندی‌ها و ارائه الگوهای مدیریتی رعایت شوند تا حداکثر استفاده از پتانسیل‌های جوامع محلی به عمل آید. به‌عبارت دیگر لازمه برطرف کردن این تهدید، استفاده از مردم محلی در بالاترین ترازهای مدیریتی یعنی فرایندهای برنامه‌ریزی و پی‌آیند آن، سازماندهی مکانی این جنگل‌ها است.

۲- برپایی یک نظام مدیریت مشارکتی

به‌نظر می‌رسد مشارکت مردم محلی در طرح‌های جنگلداری زاگرس بیشتر در سطح فرایندهای اجرایی است (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). در صورتی می‌توان از مزیت سیستم‌های مشارکتی استفاده کرد که مشارکت در سطح فرایند هدف‌گذاری صورت گیرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۴). به این ترتیب، لازمه استفاده از این فرصت، رویکرد جدیدی در انتخاب هدف‌ها بر پایه هدف‌گذاری مشارکتی است، در این صورت مدیریت اجرایی می‌تواند از مزیت سیستم‌های مشارکتی استفاده کند.

۳- منابع مالی ضعیف برای اداره جنگل

جنگلداری زاگرس به دلیل گستردگی و تداخل با مسایل اجتماعی، طرح‌هایی فراسازمانی هستند (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). تحقق بخشیدن به هدف‌های مدیریت این جنگل‌ها همگام با به‌کارگیری اصول و شیوه‌های درون سازمانی، در توان، اختیارها و مسئولیت‌های مدیریت اجرایی این جنگل‌ها تعریف نشده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹؛ غضنفری، ۱۳۸۲).

مسایل مرتبط با حیطة کاری مدیریت اجرایی این جنگل‌ها متمرکز بر طراحی سیستم‌های مشارکتی در طرح‌های جنگلداری ارائه شده است، به‌نحوی که دوری از تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها در گرو مشارکت واقعی مردمی است. این موضوع نیازمند متحول شدن نحوه بررسی‌های اجتماعی و استفاده از مردم محلی در فرایندهای تصمیم‌سازی است. رفع موانع گزارش‌شده در مدیریت مردم محلی در گرو محترم شمردن حقوق مردم محلی، حمایت‌های مالی و مدیریتی برای طراحی سیستم‌های کنترل درون‌گروهی، استفاده از نیروی متخصص به‌منظور تصمیم‌سازی، اصلاح فرایندهای تصمیم‌سازی در راستای تعامل با مردم محلی و ایجاد انگیزش در آنها برای اداره مؤثر جنگل‌هاست. به حداقل رساندن پیامدهای منفی و عوامل تأثیرگذار، مدیریت سنتی مردم محلی را به جنگلداری پایدار محلی تبدیل می‌کند (امانی، ۱۳۸۳). این مدیریت رویکردی برای استفاده از مزیت مدیریت مشارکتی و به‌طور همزمان، مد نظر قرار دادن مردم محلی در منافع حاصل از مدیریت جنگل‌ها و منابع جنگلی است. مدیریت جنگل‌های زاگرس در تمام برش‌های زمانی به مردم محلی و تعامل آنها با طبیعت بستگی داشته است. بنابراین لازم است عوامل تأثیرگذار بر تعامل آنها با طبیعت در رأس تمام برنامه‌ریزی‌های راهبردی برای جنگل‌های زاگرس، مد نظر قرار گیرد. بررسی‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهد پس از چیدمان سلسله‌مراتب، لازم است نسبت به وجود بازخورد^۱ در سلسله‌مراتب و شبکه‌ای شدن ارتباط گروه‌های مختلف، تجدید نظر شود (Yuksel & Dagdeviren, 2007). از این‌رو، لازم است در چیدمان گروه‌های قوت، ضعف، فرصت و تهدید

صورتی که تهیه طرح‌های جنگلداری بر پایه مشارکت مردمی صورت پذیرد، هزینه‌ای بر دوش دولت تحمیل نمی‌شود. در این گونه طرح‌ها، نهاده‌گذاری در جنگل (نهال کاری و حفاظت) بازای ستاده‌ای که از جنگل برداشت شده، انجام می‌گیرد.

- جمع‌بندی ارزیابی

سابقه تهیه طرح‌های گذشته جنگلداری زاگرس، حاکی از آن است که در هیچ برش زمانی هدف‌های سازمانی طرح‌های جنگلداری به‌طور کامل تحقق نیافته است. محور اصلی ناکامی طرح‌های پیشین، نبود پذیرش اجتماعی طرح‌ها است (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹؛ غضنفری، ۱۳۸۲). به‌نظر می‌رسد پذیرش نقش مدیریت مردم محلی در تمام فرایندهای برنامه‌ریزی، سازماندهی، کارگزینی، هدایت و کنترل، تنها راه بقای جنگل و پایداری مردم محلی در جنگل‌های زاگرس باشد.

ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی این مدیریت با استفاده از کمی کردن تحلیل سوات، حاکی از آن است که چهار فاکتور اصلی تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس، همگی به قسمت بیرونی تحلیل سوات یعنی فرصت‌ها و تهدیدها مربوط می‌شوند. با توجه به ارجحیت زیاد گروه‌های فرصت و تهدید در این پژوهش (جدول‌های ۲ و ۳)، گزارش می‌شود مدیریت جنگل‌های زاگرس به‌شدت به محیط خارجی خود از جمله متغیرهای مدیریتی تصمیم‌سازی، تعامل مدیریت اجرایی و مردم محلی، منابع مالی و هماهنگی‌های لازم میان یکان‌های دست‌اندرکار، وابسته است. در پژوهش‌های (kurttila et al., 2000) فنلاند و (Shrestha et al., 2004) در فلوریدا، نقطه‌های قوت و فرصت بیشتری روی سیستم‌های گواهی جنگل و بی‌شده زراعی ارائه شده است. در این پژوهش به‌دلیل نقش و اهمیت ویژه کارکرد اجتماعی جنگل‌های منطقه مورد بررسی و تأثیر این موضوع روی فراسازمانی شدن طرح‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مهمی گزارش می‌شوند. نتیجه وزن نهایی فاکتورها (جدول ۳) حاکی از آن است که ارجحیت متغیرهای محیط خارجی به حدی است که فاکتورهای قوت و ضعف داخلی، تحت تأثیر فاکتورهای محیط خارجی، نمی‌توانند وزن قابل توجهی داشته باشند. طرح‌های

در مدیریت جنگل‌های زاگرس نیز، ارتباط میان فاکتورهای مختلف و شبکه‌های موجود، بررسی شود.

سیاسگزاری

به این وسیله از تمامی یکان‌های دست‌اندرکار به‌ویژه شورای عالی جنگل و مرتع، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، دفتر فنی جنگل‌های خارج از شمال، اداره کل و مرکز تحقیقات منابع طبیعی استان لرستان که با فرایندهای تصمیم‌سازی این پژوهش همکاری داشته‌اند، سپاسگزاری و قدردانی شود.

منابع

ابراهیمی رستاقی، مرتضی، ۱۳۸۲. جنگل‌های ایران (جنگل‌های نیمه‌مرطوب و نیمه‌خشک)، مجموعه مقاله‌های کیمیا سبز، انتشارات حوزه معاونت جنگل، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۳۷-۴۱.

ابراهیمی رستاقی، مرتضی، ۱۳۸۴. نقش سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در مدیریت و حفاظت جنگل‌های خارج از شمال، مجموعه مقاله‌های همایش حفاظت از جنگل‌ها و مدیریت پایدار، انجمن جنگلبانی ایران، ۱۵۱-۱۳۷.

آقازمانی، جمشید، ۱۳۸۱. راهبرد مدیریت پایدار جنگل‌های زاگرس، مجله جنگل و مرتع، ۵۴: ۳۷-۳۰.

امانی، منوچهر، ۱۳۸۳. عملیاتی کردن جنگلداری محلی، مجله جنگل و مرتع، ۶۵: ۴۲-۵۱.

بی‌نام، ۱۳۷۸. مطالعات قابلیت‌سنجی توسعه استان لرستان (بخش پوشش گیاهی)، سازمان برنامه و بودجه استان لرستان، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور، ۹۹ ص.

بی‌نام، ۱۳۸۱. دستورالعمل تهیه طرح و اجرای جنگلداری چندمنظوره، دفتر جنگل‌های خارج از شمال، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۳۷ ص.

بی‌نام، ۱۳۸۵. گزارش مطالعات اجتماعی-اقتصادی طرح جنگلداری چندمنظوره در منطقه قلعه گل استان لرستان، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۶۶ ص.

بی‌نام، ۱۳۸۶. طرح جنگلداری چندمنظوره با تأکید بر ساماندهی و مدیریت گلازنی در حوضه آرم‌رده، مرکز پژوهش و توسعه جنگل‌های زاگرس شمالی، ۵۲۷ ص.

جزیره‌ای، محمدحسین و مرتضی ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۲. جنگل‌شناسی زاگرس، انتشارات دانشگاه تهران، ۵۶۰ ص.

زندبصری، مهدی، ۱۳۸۶. کمی کردن تجزیه و تحلیل سوات با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی. سمینار کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، ۳۸ ص.

زندبصری، مهدی، ۱۳۸۷. ارزیابی یکان مدیریتی جنگل در سامان تاف- استان لرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان، ۶۰ ص.

غضنفری، هدایت، ۱۳۸۲. بررسی رویش و تغییرات پراکنش قطری در توده‌های وی‌ول-مازودار به‌منظور ارائه الگوی تنظیم جنگل در منطقه بانه (مطالعه موردی هواره‌خول)، رساله دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ۸۸ ص.

فتاحی، محمد، ناصر انصاری، حمیدرضا عباسی و معصومه خان حسنی، ۱۳۷۹. مدیریت جنگل‌های زاگرس، انتشارات مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، شماره انتشار ۲۴۰، ۴۷۱ ص.

فقهی فرهمند، ناصر، ۱۳۸۲. مدیریت پایای سازمان، انتشارات فروزش، شماره انتشار ۱۷۴، ۸۰۰ ص.

ملک‌زاده، محمدشریف، ۱۳۸۴. مدیریت مشارکتی، انتشارات دانشگاه آزاد قزوین، ۱۱۲ ص.

Abdusalam, M.d. & T. Noguchi, 2006. Evaluation capacity development for participatory forest management in Bangladesh Sal forest based on 4RS stakeholder analysis. *Forest policy and Economics*, 8: 785- 796.

Ghazanfari, H., M. Namiranian, H. sobhani and R. M. Mohajer, 2004. Traditional forest management and its application to encourage public participation for sustainable forest management in the northern Zagros mountains of Kurdistan province, Iran. *Scandinavian Journal of forest research*, 4: 65-71.

Kajanus, M., J. Kangas & M. Kurtilla, 2004. The use of value focused thinking and SWOT hybrid method in tourism management, *Tourism management*, 25: 499-506.

- Kangas, J., M. Kurtilla, M. Kajanus & A. Kangas, 2003. Evaluating the management strategies of a forestland estate, the S-O-S approach. *Environmental management*, 69:349-58.
- Kurtilla, M., M. Pesonen, J. Kangas & M. Kajanus, 2000. Utilizing of the analytical hierarchy process (AHP) in SWOT analysis- a hybrid method and its application to a forest-certification case, *Forest Policy and Economics*, 1: 41-52.
- Shrestha, R.K., J.R.R. Alavapati & S.K. Kalmbacher, 2004. Exploring the potential for silvopasture adaptation in south-central Florida: an application of SWOT-AHP method, *Agricultural Systems*, 81: 185-199.
- Srivastata, P.K., K. Kulshreshtha, C.S. Mohanty, P. Pushpangadan & A. Singh, 2005. Stakeholder-based SWOT analysis for successful municipal solid waste management in Lucknow, India. *Waste management*, 25, 531-537.
- Suh, J. & N. Emtage, 2005. Identification of strengths, weaknesses, opportunities and threats of the community-based forest management program, *Annals of Tropical Research*, 27(1): 55-66.
- Yuksel, I. & M. Dagdeviren, 2007. Using the analytic network process (ANP) in a SWOT analysis- A case study for a textile firm. *Information Sciences*, 177: 3364-382.

The main consequences of affecting factors on forest management of local settlers in the Zagross forests (case study: Ghalegol watershed in Lorestan province)

M. Zandebasiri^{*1} and H. Ghazanfari²

¹M.Sc. Graduate, Faculty of Natural Resources, University of Kurdistan, I. R. Iran

²Assistant Prof., Faculty of Natural Resources, University of Kurdistan, I. R. Iran

(Received: 27 November 2009, Accepted: 6 April 2010)

Abstract

The research was conducted to understand the chief affecting issues on forest management of the local settlers in the Zagross forests of the western Iran using of the S.W.O.T. analysis. To achieve this, the attitude of stakeholders were collected and quantified by Analytic Hierarchy Process (AHP). Although the results showed that the main striking factor on management of the local settlers were inappropriate decision making of the executive management, the participatory management, lack of financial supports as well as budget reduction of forest management were additionally found to be effective.

Key words: Forest management, Local settlers, S.W.O.T. analysis, AHP, Zagross forests.